

## مجموعه نغز

بقلم هاشم شائق

چندماہ قبلتر کتاب مطبوع نفیسی از یست پنجاب رسیدہ بعد از یکنظر عمومی مطالعہ آن بوقت دیگری گذاشتہ شدہ بود . اگرچہ شمارہ معین ندارد ؛ ولی معلوم شد کہ از سلسلہ نشریات کلیہ پنجاب بودہ در سال ۱۹۳۳ روی سنگ خیلی بااعتنا و نفاست در لاهور بطبع رسیدہ است .

ابن مجموعہ نغز قرار اشارات مخصوص آن محتوی بر دو جلد و یک تکملہ ترتیب یافته . ( ۱۲ ) صفحہ اول آن بفہرست مطالب عمومی و ( ۱۴ ) صفحہ آن باسم دیباچہ مرتب و ( ۲۰ ) صفحہ آن بحالات مصنف و مقایسہ ( مجموعہ ) نغز و ( ابجیات ) تخصیص کردیدہ . بعد ازان باصل متن مجموعہ شروع شدہ است . اصل متن کتاب بالغ بر ( ۴۱۲ ) صفحہ است کہ جلد اول و دوم و تکملہ را دربر گہر فستہ ولی پر فیروز نیورستی پنجاب آقای محمود شیرانی سلسلہ صفحات متن را بایک فہرست اسامی اشخاص ( ۴۵۲ ) رسانیدہ و دو صفحہ غلطنامہ را نیز علاوہ کردہ صفحات متن را بر ( ۴۵۴ ) صفحہ ابلاغ نمودہ برینوجہ بر اصل کتاب تقریباً یکصد صفحہ دیگر ( در ابتدا و انتہا ) علاوہ کردیدہ است .

از روی فہرست مجموعہ کہ مؤلف دانشمند آن نشان میدہد ۷۰۳ شاعر و فاضل ریختہ ( اردو ) زبان را جمع و تدوین کردہ توانستہ است . ولی این تعداد در سہ قسمت مسلسلاً چہاپ گردیدہ است . در قسمت اول کہ جلد اول نامیدہ شدہ ( ۳۴۲ ) و در قسمت دیگر یعنی آنکہ جلد دوم اعتبار شدہ ۲۲۱ و در قسمت تکملہ ( ۱۳۹ ) نفر فاضل و شاعر شیوا بیان کہ در دسترس محرر آمدہ است ؛ جمع آوری شدہ ، ممکن است کہ محققین

دیگر اگر در جمع آوری فضالی ریخته بکشند تعداد آنها بهزارها بالغ بشود. چنانچه صاحب اثر اشاره میکند که «اسم اینقدر شخص بمن رسیده» است علاوه بر آن محرر کتاب برای سهولت مطالعه این خود مطابق اصول امروزه در سر هر حرفی از حروف تهجی و بر سر هر اسمی از اسمای شعرا که میرسد؛ بتعداد و شماره شعرا اشعارشان درین مجموعه عدد معین نشان میدهد.

طبع این تذکره در حقیقت از چند نقطه قیمت محصری دارد:

اولاً - نسخه مجموعه قبل برین چهارپا شده و نسخه قلمی آن نیز بدسترس هر کس نیامده است. نسخه که در نیورستی پنجاب محفوظ بوده؛ از متروکات محمد حسین آزاد مرحوم صاحب (آب حیات) بوده است. غیر ازین یکی در لندن و دیگری در کلکته دو نسخه دیگر وجود داشته است نسخه لندن (کتابخانه هند و لندن مثل این نسخه است) ولی نسخه که در کلکته مال محفوظ الحق خان بوده صحیحتر بوده است با اینهمه نسخه آزاد دارای حاشیه و تعلیق های مفیدی بوده است. از نیرو لازم شمرده شد که بنام استفاده عموم و اهمیت زبان اردو طبع بشود. ثانیاً - بمرض خدمت به زبان اردو (ریخته) اثر گرانبھائی را که ماخذ پیشتر فضالی علاقه مند خواهد شد؛ فضالی پنجاب و محیط نیورستی آن و لاحق گذاری نموده ضمناً با حیای نام صد هفتاد و شش ساله و قاضی از دو زبان بنگ و بیدم عصر قبلتر توجه مخصوصی نموده بطبع آن بهادرت کرده و در مجموع همان آقای بر فیدر شیرانی در طبع کتاب (ستاره) این درام تاریخی گردیده نخبه های درستی در نسخه قلمی و شرح حال صاحب اثر و تکثیر نسخه صحیح نری همت گماشته است. ثالثاً - توسط این اقدام مفید نام بنگ خادم بزرگ زبان اردو آقای محمد حسین خان آزاد صاحب (آب حیات را) که نسخه صحیحترین مجموعه از متروکات علمی آن فاضل مرحوم بوده. قدرشناسی کرده ضمناً ماخذ (آب حیات) را برای قارئین آن استخراج و کشف نموده در مسائل علمی

و ادبی حقائق جدیدی را بروی کار آورده است. چنانچه در مقایسه (آب حیات) و (مجموعه نغز) صفحاتی چند تخصیص داده نقاط مشترک و مفید این دو اثر را آقای برفیسور موصوف ارائه کرده است.

را بعداً - در ضمن این طبع از نسخه های متعددی استفاده کرده اثر صحیحی مطابق اصول طبع تازه بجهت پارسائیده نسخه مولف را از طعن قارئین و قارئین را از اشتباه و اغلاط و اراینده خاصه طریق محاکمه را جمع بتدقیق و تحقیق یک مسئله علمی و ادبی (در ضمن این نسخه قلمی که آیا بدسخط مولف است یا نه؛) ارائه کرده است. فی الحقیقه این طریق تدقیق در ضمن خیلی اجتهادات و صرف قوا بدست آمده برای جوانان عاشق علم دستور العمل مفیدی خواهد شد.

خامساً - بواسطه طبع این مجموعه نایاب ضمناً جوانان افغان را نیز بیک دسته شاعر منسی ملت و وطن اشتنا ساخته که ایشان در زبان اردو خدمات مشترکی بروز داده اند پس برینوجه همدردی اخوت و همجواری ابراز نموده است: چنانچه در جلد اول اسم (۹) شاعر و فاضل و در جلد دوم هشت صنعتکار و در تکمله دو فاضل منسی همشرد او هموطن را احیا و فرموده است. مخصوصاً در حبابی نام مولف این مجموعه نغز (حکیم میر قدرت الله خان متخلص بقاسم که از احفاد سید اسماعیل غوری زیدی) است خدمت آقای شیرانی اخوت کارانه است از نیرو تقدیر و تشکر جوانان این وطن را بخود جلب خواهد کرد.

عجالةً این نکته را در همین جا باید گفت که برفیسور موصوف در شرح حال مصنف خیلی تفصیلات داده نقاطی را که مولف راجع شرح حال خودش مبهم و پیچیده گذاشته است بایک جهد قابل تقدیری شرح و ایضاح نموده چه مولف در باب اجداد محترم خود ذکر مختصری کرده. آقای شیرانی بواسطه اطلاعات وسیع خود از بنحماز خان و غیره تفصیلاتی دستیاب نموده شرح مزیدی نوشته است. اگرچه آقای شیرانی از قید تاریخ ولادت و وفات

مؤلف بذکر مدت عمر آن که ( ۸۰ ) سال دانسته اکتفا کرده در کنجکاری سال ولادت و وفات نه پیچیده است . مگر از بیانات صاحب ( گلشن بیخار ) تاریخ ولادت و وفات ابن تنید عالی نسب را میتوان استخراج نمود . چه صاحب گلشن بیخار کتاب خود را در ۱۲۴۸ - ۱۲۵۰ تالیف نموده است . در بین اثنای سال چهارمین وفات میر قدرت الله خسر میدهد . برینوجه قاسم در حدود سنه ۱۲۴۵ وفات یافته محسوب می شود . هر گاه قاسم ( ۸۰ ) سال زندگی کرده باشد تولد آن را میتوان در حدود سنه ۱۱۶۵ حدس زد چه مؤلف گلشن بیخار وقتی که بذکر قاسم مرحوم میرسد چنین مینویسد : \* قاسم تخلص حکیم قدرت اله خان از مردم مشهور دهلی است ( اگر چه تولد مرحوم در گجرات بوده ) بیشتر اوقات در حضرت درهلی می زیسته ( چنانچه آقای شیرانی اشاره کرده ) بامولا نافخرالدین اعتقاد داشته از مریدان ایشان است . عمر معقولی دیده ( چنانچه آقای شیرانی هشتاد نشان میدهد ) امروز بقول خود شیفته صاحب گلشن بیخار ( ۱۲۴۸ - ۱۲۵۰ ) وفاتش را سال چهارمین است . تذکره در حال فکر یخته نگاشته است و بملاحظه رسید ه ، صاحب دیوان است و این اشعار از دست ( گویان ۹ بیت انتخاب و زکر میکند . صفحه ۱۵۶ - ۱۵۷ چهارپ نولک کشور

نکته دیگری که در اینجا از ذکر آن گذری نیست همین است که مؤلف مجموعه نغز خود را طو یکه در صفحه ۳ همین نسخه مطبوع است بر یک مقدمه بیست و هشت حرف به ترتیب حروف هیجا و یک تکمله مشتمل ساخته باتمام رسانیده است بنا بران در ترتیب طبع بد و جز و تشخیص نمودن از تصرفات آقای مرتب ویدرون از التزام اصل نسخه صاحب اثر است . چنانچه چنین تصرف مخصوص در تعداد صفحه بعد از متن کتاب بسلسله فهرست اسمای اشخاص و غلطنامه ایشان دیده شد که ترتیب غریب است با اینهمه زحماتی که در باب تشخیص نسخه قلمی از طرف آقای پرفیسور در ظرف

(۱۴) صفحه بخرج داده شده حقیقهٔ قیمت فوق العاده دارد. چنانچه در صفحات فوق اشاره شد خاصهٔ اشارات و نونهای که در تطبیق نسخه ها و صحت متن التزام شده همت قابل قدر آقای پرفیسور را بشبوت میرساند. اینست که این مجموعه نغز (اسم تاریخی است) در سایه همت این دانشمند فاضل آقای شیرانی افتخار حاصل کرده شرح حال مختصر فضلائش را که مولف التزام کرده و یا امکان یافته است: بفارسی تحریر نموده و اشعار منتخبه آنان را از اردو آورده و این تجدد و دقیقه سنجیکه در تحریر آن بکار برده بر همه تذکره نویسان گذشته درین روش حق است و اختراع دارد.

بطوریکه در بالا اشاره شد در هر حرف از حروف نهجی چند شاعری را که در آن فصل ذکر کردن خواسته اگر اسمشان منفرد بوده و یا مشترک یکی بتعداد آنها دیگر بتعداد اشعار آنها تصریح مینماید. مثلاً در حرف الخاء المعجمه گوید:

در طی این حرف ذکر یازده شاعر که من جمله آنها دو کس خسته تخلص میکنند اندراج یافته و مجموع اشعار هفتاد و چهار شعر است. من جمله یک رباعی واقع شده (جلد اول؛ صفحه ۲۲۹). مؤلف برینوجه باینکه تیر دو فاجحه زده (۱) فهرست مختصر شعرای همین فصل (۲) تعداد اشعاریکه درین فصل از شعرا انتخاب و یا ذکر کرده می شود میباید. این شکل و ترتیب غیر از این کتاب در هیچ یک تذکره های شرق بنظر نگارنده نرسیده است.

علاوه برین درین شکل ضمناً از احتمال ضیاع و افتادن اوراق اسم شعرا و یا اشعار آنها تا یک حد جلوگیری و مراقبت ضمنی کرده عبارت دیگر تعداد شعرا و شمارا اشعار فصلارابرینوجه تحت کنترل گرفته احصائیه مختصری داده است.

کذا درین شکل تدوین و تالیف که شرح حال را بفارسی و نمونه اشعار منتخبه را با اردو آورده است نیز یک نوع نحمد دو تفضنی است در زبان ریخته ورنه امثال این تذکره ها با اینکه بزبانهای دیگر مثل عربی، فرانسوی، ترکی و انگلیزی وارد و بنابر اقتضای ضرورت زبان نوشته شده بسیار است. چنانچه در بعضی تذکره ها شرح حال بعربی است و ابیات بفارسی و یا ترکی و غیره. مگر از کمجکاو ی که درین ۲۵ - ۳۰ سال اخیر در زبان اردو بکار برده شده؛ چنین شکل هنوز بنظر نخورده و یا بگوش نرسید است آری گلشن بیخار نیز بر همین وتیره است ولی عمر گلشن بیخار نسبت باین مجموعه مثل نسبت شیفته بر قاسم است چه گلشن بیخار سی سال بعد از ان مجموعه تالیف یافته حتی شیفته بعد از یکسال تالیف مجموعه نغز یا بعرصه و جوو گذاشته است (۱۲۲۲) علاوه برین قیمت این کتاب مخصوصاً درین نکته است که هفتصد و چندشاعر ریخته زبان را در یک محفل ادبی دعوت کرده برایشان در انظار و دلها اقامت گاه ابدی بخشیدن در خدمت نهضت این زبان بهترین نمونه شمرده می شود. در صورتیکه این مجموعه یکصدوسی سال قبل از نیم عصر دیگر پیش تر اقدار شناسی کرده است. بنابراین از بدست آمدن چنین کتاب از باب این زبان درین زمان می سرزد که خود را مفخر بشمارند. اگر چه زبان امروزه را با زبان یک و نیم قرن پیشتر نباید مقابله نمود ولی از جهت اینکه اوراق اساسی این زبان جوان است قیمت آن بعد ازین زیاد تر خواهد شد *زنگار جامع علوم انسانی*

آمدیم بعقیده صاحب اثر در باب تاریخچه اشعار و ادبیات زبانهای عمده شرقی: مولف محترم در تاریخچه اشعار اردو در مقدمه خود اولاً از ادب عرب و فارس سخن میزند و مآل این سخن را تقریباً از تذکره دولت شاه اقتباس کرده و فکر و نظر به جدیدی از خود بروز میدهد و وجود شعر فارسی را قبل از اسلام غیر ثابت نگاشته و قصه بهرام گور را افسانه شمارد و در باب ترویج شعر و ادب جو ائز مسنونه دور

نبوی صلی الله علیه وسلم و حکمداران معظم سامانی غزنوی و سلجوقی و تیموریان اینولا و هند را مثال زده است که این قسمت نیز تقریباً از همان مأخذ سابق و از شرح بعضی از کتب احادیث متداول ( و معنی لغوی ) متواتر است و تاریخ شعر اردور از خسرو سراغ داده ولی دیوان و اشعار فراوان ریخته را مدیون خدمات ( ولی ) در عهد جهانگیری دانسته است اسلوب این سید طیب و فاضل لیب دارای افکار حسی و اخلاقی است طرز افاده ان ترا کیب مخصوصی دارد که در تحریر فارسی نویسان معروف نیست مثلاً: یار باش ( رفیق ) عمده معاش ( عالیجناب ) خوبی التیام ( خوب رفتار ) سعادت آگین ( سعادت مند ) بزرگ داشت ( بزرگ منش ) بصارت اساس ( دوراندیش ) و غیره ترکیباتی است که خصوصاً و عندی است و مثل بیشتر فضلی سابق کلام موزون بر قواعد شعریه را . بشرط آنکه قصه در ادراک دخی نباشد شعر شارد آقای شیرانی نیز در قوت ریخته زبانی و سستی فارسی آن بهمین جمله و چیز اشاره کرده است « جوهر شعرش ریخته است ولی شاعر خیال پسند نبود » برینوجه افاده فارسی در ریخته آرا قرین خیال نشمرده ضمناً اساس آرا بر ریخته معرفی کرده است .

ولی اغلباً قوه ناطقه ابوالقاسم مرحوم در محاوره قوی نمی نماید چونکه آقای شیرانی ضمناً بهمین عقیده اشاره نموده است چنانچه میگوید « بالالتزام در محافل ادبی شامل و در سلسله اساتید داخل شده در فن شعر مهارت پیدا کرده است » فی الحقیقه خود مولف نیز مناظره و مجادله های خود را ( با انشاء ) در صفحه ( ۸۱ - ۸۴ ) حکایه نموده پس معلوم می شود که قاسم مرد غیور و صاحب عزت نفس بوده است . آمدیم بشخصیت علمی و ادبی ابوالقاسم :

سید موصوف علوی نسب و صاحب حسب است . اشعار بسیاری گفته و دیوان و مثنویاتی پر کرده . چنانچه خود گوید :

« قاسم تخلص این هیچمدان سرا پانقصان سید ابوالناسم عرف میر قدرت الله قادری است یکی از سلسله آباء گرامش به سید اسماعیل غور بندی و سید فاضل کجراتی رضوی میرسید اوقات شریفه همگی این بزرگان تبرک و نجر بد و توکل و تفرید و درس تدریس و تعلیم و تعلم بسر میشد و این حقیر اگر چه از بد و شعور بخدمت سرا پابرکت مولانا فخر الدین قدس سره و مرجع طلاب جهان مولوی خواجه احمد خان نور الله مرقد هم شتافته کسب علوم عقیده و اکتساب فنون نقلیه می کرد اما بنا بر عدم مساعدت بخت و ایام بر اثر اجداد عالی مقام نتوانست رفت. یکچند از خدمت بارفعت خلاصه فضایل زمان حکیم محمد شریف خان استفادۀ فن شریف طبابت نموده و هم از ابتدای سن تمیز خیال شاعری در سر دار و استحصال طرز این فن جلیل القدر را از جناب هدایت اقتساب هدایت الله خان (هدایت) لودی نموده تا الیوم هفت هزار بیت تخمیناً از انواع سخن رطب و یابس در دیوان فراهم آمده و بیرون ازین مثنوی در بحر مثنوی معنوی رحمته الله قریب سه هزار و پنجاه بیت در قصه معراج حضرت خیر الانام و مثنوی دیگر در بحر بوستان شیخ شیراز قریب پنجاه هزار و دو بیست بیت در کرامات حضرت غوث صمدانی رضی الله عنه بر صفحه روزگار ثبت نموده و عزم بالجزم غزوه بدر پیش نظر دارد انشاء الله تالی از کتب غیب بینه ظهور جلوه گرمی شود.

از نجر بر فوق که مال و خلاصه بیانات خود مولف بود از صفحه ۹۲ - ۹۳ جلد دوم همین کتات مطبوع اقتباس شده نکات و ابواب بدست میآید:

۱- اجداد ابوالقاسم از سادات رضوی غور بندی بوده در نزد ارباب دولت و ملت با مجد و شرف می زیسته و ارباب علم و یقین و اهل تعلم و تربیه بوده اند چنانچه بیشتر آن ها بر مسند افتاده و هدایت می نشستند.

۲- ابوالقاسم در کسب علوم عقلیه و فنون نقلیه کوشیده ولی نمرآن و اطو ابکه لایق است حاصل نموده است



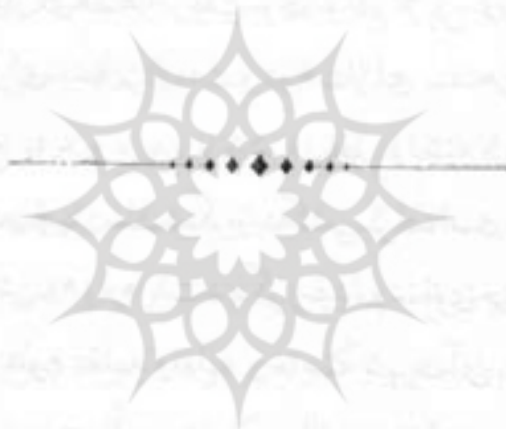
۳- اساتید عمده علمی و ادبی و روحی و دینی ابوالقاسم همین چهار نفر بوده اند  
آ- مولانا محمد فخرالدین ب - مولوی احمد خان ج - حکیم محمد شریف خان  
(جد امجد حکیم اجل خان معروف) د- هدایت الله خان لودی متخلص به هدایت .  
اگر چه نسبت تلمذ خود را بجناب مولوی محمد صاحب (ملقب به میا نصاحب بسمل) نیز  
در ضمن تذکره حال ایشان تحریر کرده ولی در اینجا تنها به ذکر همین چهار شخص بزرگ اکتفا کرده است  
۴- صاحب ترجمه در ۱۲۲۱ که سال ختام مجموعه نغز است .

(نظر با اینکه هشتاد سال عمر دیده و ولادتش در حدود ۱۱۶۵ بوده است) بعمر ۵۶  
سالگی دیوان اشعارش دارای هفت هزار بیت بوده و غیر ازین در آنوقت دو مثنوی دیگر  
داشته است که یکی دارای پنج هزار بیت و دوم دارای سه هزار دو و بیست بیت و انشای  
مثنوی دیگر بکه راجع به غزوه بدر باشد در نظر داشته است چون بعد از انعام این  
تذکره ابوالقاسم بیست و چهار سال دیگر زندگی کرده است علاوه بر اینکه غزوه بدر را  
تمام کرده باشد ابیات دیوانش به هزار هایت دیگر رسیده و مثنوی جدا گانه نیز ساخته خواهد بود

۵- از اکتساب علوم عقلیه و نقلیه و خاصه شهرت آن به طبابت و ذوق اشعار و ادب  
و نشستش در خانواده روحانی و علمی و انتسابش به بعضی مرشدین دین مبین  
و حرمتش در زرد ارباب دولت و عدم اختیار نوکری حکومت و غیره معلوم میشود که  
این شخصیت با حسب و نسب و صاحب وجدان و عزت نفس و استاد تعلیم و تربیه و عزیز جامعه  
وقت بواسطه اشتغالات علمی و فنی دارای رفاه حال بوده است .

خلاصه بواسطه طبع این تذکره نغز همانقدر که عالم ادب (ریخته) حقائق و مآخذ جدیدی  
بدست آورده اند عالم ادب عمرمی فارسی زبان (افغانستان و ایران و عراق و قسمتی از ماوراء  
النهر) نیز بنا برینکه از آن دیار بیدار هند رسیده در مدینت و حرث هندوستان سرمایه  
شده به تعبیر دیگر در محیط هندوستان مدینت نشان امتزاج نموده بالوسیله بعالم

مدنیت مشترک بشری خدمت کرده اند - مفتخر و مسرور خواهند شد چه این مجموعه بواسطه احیای نام چندین صد فضلالی آسیای دو عصر قبل آئینه افکار و خیالات ادبی و اجمال تاریخ ادب و فضل همعصر این دیار بوده است .  
بهر حال نسبت بتذکره محمد تقی میر و شیفته و تذکره آزرده و آبجیات آزاد از حیث قدامت باسنتنای بعضی مباحث آبجیات حق برتری و رجحان تاریخی دارد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی